

دل خورشید صفت

(جون ۲۰۰۸)

دلم مانند قـدح از شراب تلخ لبریز است
 ز آه و ناله ام غم و اندوه شرر خیز است
 ندارم عید ونور روز و برات درگوشه غـربت
 مسرت رخت پر بسته رنج و دردم همه چیز است
 شب تار سیل اشکم روان است سوی ساحل
 می آمیزد به دریا چونکه امواجش درخیز است
 ندارم ذوق آرامش چون موج در دل دریا
 هوایی پر زدن دارد دلم ، مرغ سحر خیز است
 خطوط زر فشان کهکشان رخشد به چشما نم
 مثال نو عروسان بر سرش شال قناویز است
 خروش ناله ای دریا ز دور می آید به گوشم
 شتابان می روم سویش نوای وی دل انگیز است

چه توفانیست در چشمم که خواب را نیست در آن راهی

دل خورشید صفت دارم با تیرگی در ستیز است
